

تفاسیری مثل المیزان با نظر به مجموعه‌ی این روایات و ظاهر آیات و سیاق سوره و تدبّر در قرآن، آیه را تفسیر می‌نماید

شماره پرسش: ۷۷۲۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد عزیزتر از دل. سوال اول: استاد وقتی تفاسیر روایی از قبیل تفسیر منسوب به امام حسن عسگری و یا تفسیر البرهان را نگاه میکنی میبینی یک آیه را اهل بیت یک چیزی تفسیر کردند کردند و مفسرین ما چیزی دیگر تفسیر کردند. بعنوان مثال آیه (عن النبأ عظیم) که از نبأ بعنوان حضرت علی تفسیر شده است و در تفاسیر دیگر بعنوان روز قیامت. و یا سوره ی سباء آیه ی ۱۸ که در تفاسیر روایی (قریه) را به اهل بیت تفسیر کرده اند یعنی آن شهرهایی که در آنها ایمن میگردد اهل بیت هستند. ولی در تفاسیر دیگر طوری دیگری تفسیر شده و یا به شهر مکه تفسیر شده است و یا منطقه شامات. در حالیکه وقتی امام باقر وقتی دید قتاده این آیه را به مکه تفسیر میکند بر او خرده گرفت. میشود در خصوص این تناقضات در خصوص تفسیر قرآن کمی توضیح دهید سوال دوم: فرق تفسیر با تاویل چیست؟ سوال سوم: دکتر عباسی گفت در سایت ها و منابع فلسفی خود غربی ها آمده است آن کسی که به سقراط گفت برو خودت را بشناس و از همان لحظه فلسفه ی یونان کلید خورد شیطان بوده است. وقتی سقراط به کوه آلن میرود در معبد دلفی آن کسیکه به او میگوید برو خودت را بشناس نام اش دمون بوده است. دمون یکی از شیاطین چهارگانه ی خود غربی ها هست مثل لوسیفر. این را دکتر عباسی در مناظره ی خود با صادق زیبا کلام در چند سال پیش گفته بود وگفت من اینها را از خودم نمیگویم بلکه اینها در سایت ها و مطالب خود غربی ها آمده است. من سخنرانی را جدید شنیدم. در حالیکه حکمای ما از سقراط به بزرگی یاد میکنند مثل دکتر دینانی که سقراط را یک حکیم میداند. میشود کمی توضیح دهید با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- عنایت داشته باشید ائمه «علیهم السلام» در تفسیر آیات اولاً: بعضاً یک وجه از آیه را مطرح می‌کنند و امام دیگر، وجه دیگری را مطرح می‌نمایانند. ثانیاً: توان درک مخاطب را نیز در نظر می‌گیرند. ولی تفاسیری مثل المیزان با نظر به مجموعه‌ی این روایات و ظاهر آیات و سیاق سوره و تدبّر در قرآن، آیه را تفسیر می‌نماید. این مثل فتوای مجتهد است که با نظر به مجموعه‌ی آیات و روایات یک فتوا را می‌دهد. ولی تاویل چیز دیگری است و امام توجه ما را به مبنایی که آیه بر اساس آن ظاهر شده برمی‌گردانند. در این مورد به تفسیر آیت الله جوادی از اول سوره‌ی عمران رجوع فرمایید ۲- نظر دادن در مورد سقراط و افلاطون و ارسطو و افلوپین بسیار مشکل است. آن قدر معارف

بلند در سخنان آنها هست که نمی‌توان گفت بدون ارتباط با پیامبران این سخنان از بشر صادر شده است. به همین جهت عده‌ای معتقدند این معارف تحت تأثیر حضرت موسی «علیه‌السلام» ارائه شده، مگر افلوپین که تحت تأثیر حضرت عیسی «علیه‌السلام» است. این که بگوییم دمون یکی از شیاطین چهارگانه است و معنای اساطیری موضوع را با معنای دینی تطبیق دهیم، کار بسیار خطرناکی است.

موفق باشید